

**نویسنده :** لیورنت گوانیوت «Laurent Guyenot».

**منبع و تاریخ نشر :** انفا رمیشن کلیرنگ هوز «202-09-13».

**برگردان :** پوهند وی دوکتور سید حسام «مل» .

-----[ 99 ]-----

## یازدهم سپتا مبر یک کار اسرائیلی بود

was an Israeli job 9/11



با ابراز تشکر از محققان و پژوهشگران شجاع که با وجود نا هنجاری ها ؛ وقایع مورخ یا زدهم ماه سپتا مبر (9/11) سال «2001» را در این ماه های اخیر در اترنیت با وضوح کامل رسماً بدست نشر سپرده اند ؛ شواهد دال بر اینکه این یک عملیات پرچم دروغین [عملیات پرچم دروغین (به انگلیسی: False flag operations) به عملیات های گفته می شود که توسط نهادهای نظامی، شبه نظامی، اطلاعاتی یا سیاسی به گونه ای انجام می شود که این تصور به وجود آید که گروه ها یا کشورهای دیگری این عملیات را انجام داده اند.]<sup>[1]</sup> برای مثال استفاده نیروهای یک طرف درگیر در جنگ از پرچم و لباس نظامی طرف مقابل برای حمله و قتل عام ساکنین یک روستا و سپس متهم کردن آن طرف به انجام این کشتار نمونه ای از عملیات پرچم دروغین محسوب می شود. هدف از انجام عملیات پرچم دروغین مخفی نگه داشتن هویت مرتکبین اصلی یا بدنام کردن طرف مقابل و ایجاد بها نه ای برای حمله به او است.....**تفصیل از ویکی پدیا** ] است از اینکه **اسامه بن لادن** بی گناه بوده یعنی که در رخداد ویا قضیه ای (9/11) دست نداشت هما نظر که بارها بارها در مطبوعات افغانستان ؛ پاکستان و الجزایر اعلام شده ویا که انعکاس داده شده است [1] مدارک اثبات این تقلب و حشتناک از همان زمان آغاز که تا کنون اسناد آن جمع اوری شده است ؛ کنون برای هر کسی که مایل به صرف چند ساعت وقت به هدف تحقیق و پژوهش در مورد این رخداد می باشد ؛ تمام

اسناد و رفرنس ها و شواهد پیرامون موضوع مذکور در وبسایت ها قابل دسترس است ( اگرچه هنگام تهیه این مقاله ؛ متوجه آن شدم که گوگل در حال حاضر دسترس به این تحقیق را دشوارتر از پنج سال پیش کرده است و اولویت بندی مصنوعی سایت های ضد توطیه است ).

بگونه مثال ؛ اعضای معماران و مهندسان و کارشناسان ساختمانی مجرب که رخداد فروریختن برج های دوگانه (دوقلو) را از نظر تخیلی مطالعه کرده اند به این باور اند که این برج ها در اثر اصابت یا تصادم هواپیما و آتش سوخت جت (هواپیما) فروریخته یا که موجب فروپاشی این برج ها نشده است تا جاییکه حتی «دونالد ترامپ» نیز این موضوع را فهمیده و یا که درک کرده است . لذا در واقعیت امر صحبت کردن به ارتباط فروپاشی این برج های دوگانه با اثر اصابت هواپیما ها شاید بحث گمراه کننده باشد بهر صورت با قبول اینکه برج ها در واقعیت امر منفجر شدند ؛ کانکریت ها را خورد و خمیر و یا پودر کردند ؛ و قطعات پاره ها و یا ستون های فولادی با وزن چندین صد تن صد ها متر را با سرعت زیاد به بیرون زدند یا که رانند ؛ گرد و غبار پیروکلاستیک [ *pyroclastic* ] = این واژه مشتق شده از یونانی است که ( *pyro* ) به معنی آتش و ( *clastic* ) به مفهوم خراب شدن است ... ] که بلافاصله درخیا بان ها سر از بیرون جا می شد ؛ برخلاف گرد و غبار ناشی از آتشفشان نشاء نگر وجود مخلوطی از دمای بالا از گازهای گرم و ذرات جامد نسبتاً متراکم است ؛ که مورد اصابت هواپیما قرار نگرفته است با سرعت نزدیک به سقوط آزاد در رد پای خود بریزد ؛ مگر اینکه تخریب آن کنترل شده ؛ که مرکز تجارت جهانی - هفت (WTC-7) ؛ آسمان خراش دیگری (47 - طبقه ای) که البته مورد اصابت هواپیما قرار نگرفته چطور با سرعت نزدیک در رد پای خود بگونه آزاد سقوط میکند و یا که فرومی ریزد تا که مگر این نوع سقوط در تحت نظارت و کنترل صورت نگرفته باشد

شهادت های مأموران آتش نشانی که اندکی پس از وقوع ثبت شده ، توالی انفجارها را درست قبل از "فروپاشی" ، دقیقاً زیر ضربه هواپیما توصیف میکنند. وجود فلز مذاب در لاشه هواپیما با وجود مواد منفجره کاملاً سوخته تا سه هفته پس از حمله غیر قابل توجیه است ، آتش نشان **فیلیپ روولو** ، قبل از کمره **اتین سانورت** (Etienne Saurets) ، برای فیلم (2011 Collateral Damages = تخریب جانبی) شهادت داد: "شما که پایین می آید و می بینید که فولاد مذاب یا فولاد مذاب در حال عبور از مجاری کانال است ، مانند این که در یک ریخته گری هستید - مانند گدازه."

متخصصان یا کارشناسان حرفه ای حمل و نقل هوایی نیز از عدم امکان نحوه انجام همچو فعالیت های هوایی هواپیما خبر دادند از اینکه سرعت نمودار شده یا پیدا شده دو هواپیما؛ یکی به سرعت (443) مایل و ساعت و دیگری (542) مایل سرعت در فی ساعت و آنهم در نزدیکی سطح زمین توسط هواپیما بوینگ (767) غیر ممکن است و بعید به نظر

میرسد که هواپیما ها نوع بوئینگ با گرفتن همچو سرعت در نزدیکی با سطح زمین ماموریتی را انجام دهد بلکه اگر احیاناً هواپیما ها در نزدیکی سطح زمین یا به ارتفاع کم از سطح زمین همچو سرعت را در فی ساعت اختیار کنند ناگزیراً که از هم نه پاشند یعنی که طبعاً از هم می پاشند و آنهم با ما موریت پیلوتان اما تور و بی تجربه چنانچه در این مورد **حسین مبارک** سابق پیلوت و تحصیل دیده در رشته خلبانی گفت: من هرگز نمیتوانم اینچنین ماموریت را توسط همچو هواپیما ها انجام دهم ( او تنها یک پیلوت ویا ریس جمهور نیست که در مورد چنین افاده میدهد بلکه **چاویز** و **احمدی نژاد** نیز با گفته و فرموده **حسن مبارک** موافق اند و گفته ای اورا تا بیید میکنند) از سوی دیگر فراموش نکنید یاکه باید به یاد داشته باشید که هیچ یک از جعبه های سیاه این هواپیماها ای اصابت شده به برج های دوگانه تا حال قابل دسترس نبوده یعنی که جعبه ها پیدا نشد یعنی یک حالت غیر قابل درک و تفهیم شده .

البته ، ناهنجاری های واضح سا یتهای سقوط شانا کسویل (کنون بعنوان شاهدهی برای فداکاری) و پنتاگون وجود دارد: هیچ بقایای هواپیماها یا هواپیمای معتبری در هیچ یک از عکسهای متعددی که به راحتی در دسترس هستند دیده نمی شود.

## درون شغل یا کار موساد ؟

در میان تعداد فزاینده ویا حد اکثر از امریکایی ها نسخه ویا تفسیر رخداد یازدهم سپتامبر بگونه رسمی با ورکردنی نیست یعنی آنها آنطور که مقامات مسول و رسمی امریکا این رخداد را تفسیر میکنند اکثر امریکایی ها به آن با ورندارند و در مورد دونظر اساسی در رقابت همدیگر قرار دارد ؛ که من آنرا موکول به ( وظیفه ویا کار داخلی) و کار ویا (فعالیت ووظیفه موساد) میدانم که **تیزس اول** و اغلباً برجسته در حرکت



### (موساد یا سازمان اطلاعات و عملیات ویژه اسرائیل)

در به اصطلاح واقیعت رخداد یازدهم سپتامبر کار و فعالیت دولت مخفی در درون دولت امریکا است یعنی که دولت مخفی مقصر پنداشته میشود و ادعای **یا تیزس دومی** روبراه ساختن ویا بکار انداختن اعضای سازمان شبکه قدرتمند اسرائیلی اند که به شدت در تمام حوزه های قدرت در ایالات متحده نفوذ کرده اند از جمله در رسانه ها ؛ دولت ؛ ارتش و سرویس های مخفی اطلاعاتی امریکا .

این کار و فعالیت یا **تیز** (شغل موساد) از زمانی که **آن صابروسکی** ، استاد کالج جنگی ارتش و آکادمی نظامی ایالات متحده در جولای (2012) مقاله ای تحت عنوان ("**تخریب 11 سپتامبر: اسرائیل و تاکتیک های اشتباه**") را منتشر کرد، در حال گسترش است. او ابراز عقیده کرد که «11 سپتامبر» یک عملیات کلاسیک سازمان یافته **موساد** است.

از همان ابتدا می توانیم متوجه شویم که اسرائیلی ها یا عرب های متخلف هر دو نظریه "شغل خارجی = مشاغل بیرونی" هستند ( آنها در حقیقت ، تصاویر آینه ای از یکدیگر هستند ، که با توجه به توضیحات **گیلاد آتزمون** ] **گیلاد آتزمون** (به عبری: גילעד אַתְמוֹן، [gi'lad ats'mon] ؛ متولد 9 ژوئن 1963) ساکسیفون ، رمان نویس ، فعال سیاسی و نویسنده جاز بریتانیا است. توسط علما و فعالان ضد نژاد پرستی او را یهودستیزی و منکر هولوکاست توصیف کرده اند.... **تفصیل توسط این قلم** ] در مورد "گناه پیش بینی شده" یهودیان قابل فهم است [2] حتی قبل از نگاه کردن به شواهد ، "شغل خارج" معتبرتر از "شغل داخلی" به نظر می رسد. نکته ای هیولا در این ایده وجود دارد که یک دولت می تواند شهروندان خود را با کشتن هزاران نفر از آنها فریب دهد و آنها را وحشت زده کند ، و آنهم فقط به خاطر شروع یک سری جنگ ها که حتی به نفع ملت نیست. برای مقایسه ، یک قدرت خارجی که تحت پرچم دروغین یک قدرت سوم به ایالات متحده حمله میکند تقریباً به نظر یک بازی جوانمردانه است. در واقع سوء ظن به نقش اسرائیل باید برای کسی که از شهرت **موساد** به عنوان یک کسی که آگاه است همچو طبیعی باشد: "کارت وحشی. بیرحم و حيله گر. این توانایی را دارد که نیروهای آمریکایی را هدف قرار دهد و آن را مانند يك عمل فلسطینی / عربی جلوه دهد. " ، به گفته گزارش دانشکده مطالعات پیشرفته ارتش آمریکا به نقل از واشنگتن تایمز (10 سپتامبر 2001) - روز قبل از حملات.

این یک نکته ای مهم است ؛ زیرا که این خود موجب بروز سوال میشود و آن اینکه چگونه و چرا جنبش حرکت (truth movement) یازدهم ماه سپتامبر به تاخیر گسترده ای انکارناپذیر (کار دورنی = inside job) شده است ، حتی بدون در نظر گرفتن تیزس احتمال بیشتری از حمله توسط یک قدرت خارجی که تحت پرچم دروغین اسلامی - پس چه قدرت خارجی غیر از اسرائیل چنین کاری میکند؟

البته ، دو پایان نامه (theses) مخالف لزوماً یکدیگر را مستثنی نمی کنند؛ حداقل هیچ کس اسرائیل را متهم نمی کند که عناصر فاسد دولت آمریکا یا دولت عمیق در آن دخیل بوده اند. "دل بستگی پرشور" بین اسرائیل و ایالات متحده برای دهه ها ادامه داشته است و «11 سپتامبر» یکی از فرزندان هیولایی آن است.

من نمیتوانم هیچ نما دی از واقعیت بهتر از ازدواج **تد و باربارا اولسون** ( Ted and Barbara Olson ) داشته باشم. **تد- اولسون** پس از دفاع از بوش در انتخابات منقشه برانگیز سال « 2000 » ، به جایگاه وکیل عمومی پاداش داده شد یعنی که ارتقا نمودند (او همچنین از **دیک چنی** در هنگام امتناع از ارائه مدارک مربوط به کنگره انرون(enron) = شرکت انرژی امریکایی مستقر در تکزاس ..... «**تفصیل توسط این قام**» دفاع کرد). **باربارا** گزارشگر معروف « CNN » بود ، اما پیش از آن **باربارا کی برچر** از پدر و مادر یهودی متولد شد ، در فاکولته حقوق پوهنتون یشیوا تحصیل کرد و در شرکت حقوقی « WilmerHale » استخدام شد ، **جیمی گورلیک** ، عضو آینده کمیسیون « 11 سپتامبر » نیز عضو آن بود و مشتریان آن شرکت های قدرتمند اسرائیلی مانند ( **امدوکس Amdocs** ) ، یک شرکت ارتباطات دیجیتال است که متهم به جاسوسی برای اسرائیل در ایالات متحده هستند. در « 11 سپتامبر (2001) ، **باربارا اولسون** ادعا می شد که در پرواز ( AA77 ) بوده است ، و از آنجا دو تماس تلفنی با شوهرش برقرار کرده است. تماس های وی بعد از ظهر در « CNN » گزارش شد و به تبلور برخی از جزئیات داستان رسمی کمک کرد ، مانند «**جعبه برش**» که توسط هواپیمای ربا یا ن فقط به عنوان سلاح استفاده می شد. **تد اولسون** که پس از « 11 سپتامبر » بارها و بارها در برنامه های تلویزیونی دعوت می شد ، وقتی از او در مورد تماس های همسرش سوال می شد مرتباً در پاسخ دادن های تناقض وجود داشت. در گزارشی از سال « 2006 » ، **FBI** فقط یک تماس از طرف **باربارا اولسون** را شناسایی کرد و این یک تماس غیرمستقیم به مدت ( 0 ) ثانیه بود. مانند سایر تماس های تلفنی گزارش شده از مسافران ناامید (از جمله معروف "سلام ، ما ما ن. این مارک بینگهام است") ، تماس **باربارا** به سادگی غیرممکن بود ، زیرا فناوری مورد نیاز برای برقراری تماس های تلفنی در ارتفاع بالا تا سال « 2004 » توسعه نیافته بود. [3].

« 11 سپتامبر با اتحاد بین پرستندگان ( ستایشگران ) مخفی اسرائیل و عناصر فاسد امریکایی امکان پذیر شد. سوال این است: چه کسی ، از این دو ، مغز متفکر این عملیات فوق العاده جسورانه و پیچیده بوده است ، و برای چه "هدف بالاتری"؟

سوال دیگر این است: چرا کسانی که مدام تکرار می کنند « " 11 سپتامبر یک کار داخلی بود » " کاملاً شواهد قانع کننده ای را که به اسرائیل اشاره می شود ، نادیده می گیرند ؟ به عبارت دیگر ، آنها تا چه اندازه "مخالفت کنترل شده" را برای پوشاندن اسرائیل ایجاد می کنند ؟ طرح این نوع سوال به معنای سوء ظن به کسی نیست که از نظریه غلط یا ناقص ریاکاری دفاع کند. بیشتر افرادی که از یک نظریه یا نظریه دیگر دفاع می کنند ، این کار را صادقانه و بر اساس اطلاعاتی که به آنها دسترسی دارند ، انجام می دهند. من خودم « 7 » سال ، و قبل از اینکه به تد ریچ به بحث فعلی بپردازم ،

از « 7 » سال قبل به تئوری رسمی اعتقاد داشتم و « 2 » سال قبل نیز به نظریه **"درون شغلی"** اعتقاد داشتم. از طرف دیگر، می توانیم فرض کنیم کسانی که عموم مردم را در طولانی مدت به خطا رهبری میکند یا که سوق میدهد نه تنها که اشتباه نمی کند بلکه دروغ می گوید. در هر صورت، تحقیق در مورد سوابق نظر سا زان مشروع است و وقتی آنها در دروغگویی یا تحریف حقیقت گرفتار می شوند، می توانیم انگیزه آنها را حدس بزنیم. من در پایان مقاله به این موضوع باز خواهم گشت.

## رفص ویا پایکوبی اسرائیلی ها :

محققانی که معتقدند اسرائیل « یازده سپتامبر » را تنظیم کرده است، به رفتار گروهی از افراد اشاره می کنند که از زمان دستگیری ویا زندانی شدن به **"اسرائیلی های رقصنده"** معروف شده اند، گرچه هدف آنها عبور از "عرب رقصنده" بوده است. شاهدان مختلف آنها را با لباس به ظاهر "خاورمیانه" دیده اند که در یک پارکینگ در جلو سقف کامیون های یالاری های پارک شده در **جرسی سیتی** (شهر جرسی) ایستاده بودند و با هلهله یکدیگر را تشویق میکردند و در مقابل مرکز تجاری جهانی از یکدیگر عکس می گرفتند، درست در لحظه برخورد اولین هواپیما به برج شمالی سپس مظنونان کمیون های خود را به یک پارکینگ دیگر در جرسی سیتی منتقل کردند، جایی که شاهدان دیگر شاهد برگزاری همان جشن های ظاهری بودند.

در همان روز رخداد واقعه به پولیس شهر نیوجرسی زنگ تیلیفون ناشناس مواصلت کرد که در همان روز توسط **ان بی سی نیوز (NBC News)** این موضوع تیلیفون ناشناس گزارش شد و پولیس شهر نیوجرسی به یک یا دوفنر با داشتن مینی بس سفید رنگ که در آنجا بود اشاره میکند که آنها یعنی این دوفنر شبیه فلسطینی ها بودند که به طرف یک ساختمان در حال دور زدن بودند - من مردی را در فرودگاه نیویارک دیدم که مواد و چیزهای از کار افتاده و استعمال شده را باهم مخلوط میکرد لباس های اش شبیه به لباس های شیخ (شیخان عرب) عرب بود [3]؛ این وقتی است که پولیس شهر نیوجرسی عاجلاً یک هشدار بولو [BOLO = باخبر ساختن متم پلیس شهر را بخاطر دستگیری ویا بدست آوردن شخص مشکوک ووسایط نقلیه ویا جلوگیری از بروز حوادث در شهر.....**تفصیل توسط این قلم**] را به ارتباط این وسیله نقلیه با احتمال زیاد مربوط به همین دوفنر مشکوک با لباس های شیخان عرب با ثبت علامت (urban movement system) صادر میکند؛ و نمبر پلیت عقبی این مینی بس را با علامت (NJ) در عقب پارک ایالتی لیبرتی شهر جرسی را در هنگام اولین ضربه هواپیمای مسافربری که به مرکز تجاری جهان صورت گرفت نشانی کرد که اینها در جلو مینی بس خود به رقص وپایکوبی دیده می شدند.

به طور تصادفی، ون (واگون یا مینی بوس) حدود ساعت « 4 » بعد از ظهر رهگیری شد و پنج جوان در آن حضور داشتند: سیوان و پاول کورزبرگ ( Sivan and Paul Kurzberg)، یارون شموئل (Yaran Chmuel)، اودد النر (Oded Eliner) و عمر مار ما ری (Omer Marmarie). قبل از طرح هرگونه سوال، راننده، سیوان کورزبرگ برآشفته شد: «ما اسرائیلی هستیم. ما مشکل شما نیستیم مشکلات شما مشکلات ما ست. فلسطینیان مشکل شما هستند.» برادران کورزبرگ به طور رسمی به عنوان عوامل یا جاسوسان **موساد** معرفی شدند. هر پنج نفر به طور رسمی در یک شرکت در حال حرکت (یک پوشش کلاسیک برای جاسوسی) به نام ( Urban Moving Systems ) کار می کردند، که صاحب آن شرکت، **Dominik Otto Suter**، در « 14 » سپتامبر از کشور به تل ابیب گریخت. [4].

این رخداد برای اولین بار یک روز بعد از حملات یا وقوع حادثه توسط روزنامه نگار بنام **پولو لیما** (Paulo Lima) در روزنامه نیوجرسی بدست نشر سپرده شد. برگن (Bergen) به استناد یک منبع نزد یک پژوهشی ثبت شده که قبل از حمله از پیش آگاهی مظنونان از حملات صبح اطمینان داشتند به نظر میرسد که آنها میدانستند و یا که واقف بودند وقتی قرار است در پارک ایالتی لیبرتی اگر باشند چه اتفاقی خواهد افتاد؟ گزارش (529) صفحه ای **اف بی آی** (FBI) در مورد تحقیقات بعدی (که تا حدودی در سال «2005» از طبقه بندی خارج شد) چنین واقیعت مهم را نشان میدهد. ابتدا؛ ویا اولاً هنگامیکه برج شمالی در اثر اصابت هواپیما آتش میگیرد و میسوزد این مظنونان از آن عکس برداری میکنند که این خود موبد از خوشی و خوشحالی آنها چیزی دیگری نیست چونکه آنها در همین هنگام عکس گرفتن لبخند میزنند و یکدیگر را به آغوش میکشاند و از وضع این ها چنین به نظر میرسد که این پنج نفر مظنونان برای توضیح رضایت خود با یکدیگر گفتند که آنها به راحتی خوش و خوشحال هستند. که به لطف این حملات تروریستی؛ من بعد ایالات متحده گام های استوار بخاطر جلوگیری و نیست ونا بود کردن تروریزم در سطح جهان بر میدارد؛ با اینحال در این مرحله اول قبل از ضربه به برج دومی اکثر امریکایی ها معتقد بودند که سقوط این برج ها یک حادثه است؛ ولی بهر صورت پنج اسرائیلی دیگر به شرکت بنام کلاسیک **انترنیشنل موبرس** (classic international movers) وابسته شناخته شدند از اینکه با پنج نفر دیگر از اسرائیلی های گماریده شده به دلیل داشتن تماس با نزده نفر هواپیما ربا بیان که نیت خود کشی را داشتند دستگیر شدند؛ علاوه بر این، یکی از پنج مظنون "فردی در آمریکای جنوبی با مبارزان اسلامی در خاور میانه" واقعاً که تماس گرفته بود. سرانجام، گزارش «FBI» وانمود کرد ویا اظهار داشت که "این وسیله نقلیه توسط یک سگ آموزش دیده با بوییدن جستجو شد که نتیجه مثبتی برای وجود آثار منفجره داشت.

پس از همه این شواهد مجرمانه ، گنج کننده ترین قسمت گزارش ارائه می شود: نتیجه گیری اینکه "FBI" دیگر هیچ علاقمندی تحقیقاتی در مورد بازداشت شدگان ندارد و آنها باید مراحل مناسب مهاجرت را ادامه دهند". درحقیقت ، نامه ای خطاب به اداره مهاجرت و تابعیت ایالات متحده ، مورخ **25 سپتامبر 2001** ، ثابت می کند که کمتر از دو هفته پس از وقایع ، ستاد مرکزی فدرال ؛ « FBI » تصمیم گرفته بود تحقیقات را مختومه کند ، با این درخواست که " اداره مهاجرت و تابعیت ایالات متحده باید مراحل مربوط به مهاجرت را انجام دهد. " پنج اسرائیلی رقصنده ، معروف به "بالا رفتن سطح" یا به ( چک انداختن = دونفری که دست های شان را از تنه به بالا باهم کف به کف میسازند ) برای « 71 » روز در زندان **بروکلین** بازداشت شدند ، جایی که آنها ابتدا آزمایش های ردیاب دروغ را نیز یافتند ، سپس شکست خوردند. سرانجام ، آنها با کمترین اتهام "نقض ویزا" بی سر و صدا به اسرائیل برگردانده شدند. سپس سه نفر از آنها در یک برنامه گفتگوی تلویزیونی اسرائیلی در نوامبر « 2001 » دعوت شدند ، جایی که یکی از آنها با نکات اعلام کرد: "هدف ما صرفاً مستند سازی این واقعه بود."

**دوام دارد**